

گزارش پژوهشی

چشم‌انداز اقتصاد اسلامی بر بحران مالی جهانی

مترجم:

لیلا محرابی

۱۳۹۱

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	۱. مقدمه
۲	۲. اقتصاد اسلامی چیست؟
۳	۳. تمایزات اقتصاد اسلامی از اقتصاد متعارف
۴	۴. دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلف در زمینه اسلام
۶	۴-۱. احکام مثبت اصول اخلاقی در اسلام
۷	۴-۲. موارد نفی شده در اسلام
۹	۵. اسلام و بحران
۱۰	۵-۱. ریشه و علت مشکلات از دیدگاه اسلامی
۱۷	۶. جمع‌بندی
۲۰	منابع و مأخذ

## ۱. مقدمه

سخن گفتن از شیوه‌ای نو و جدید در مواجهه با بحران‌های مالی، همواره از جذابیت خاصی برخوردار بوده است. این شیوه جدید زاییده فرامین لایزال الهی و برنامه‌های جاودانه زندگی است. شکی نیست که اقتصاد اسلامی با تعالیم متعالی‌اش توان حل مشکلات اقتصادی بشر را دارد. در واقع سخن از خاتمیت اسلام و کامل‌بودن این آیین الهی و پاسخگویی‌اش نسبت به تمام مسائل حیات بشر، مطلبی است که در قرن‌های متمادی پس از ظهور این دین بارها و بارها تکرار شده است. در هر عصری، به تناسب پرسش‌ها و پیشینه‌های فکری موجود در آن روزگار، جلوه‌هایی از این حقیقت مورد کاوش قرار گرفته و در باب آن کتاب‌ها و رساله‌هایی تدوین شده است. اما نگاه نظام‌مند با رویکرد سیستمی به اقتصاد که با معیشت انسان‌ها سروکار دارد، سابقه‌ای طولانی ندارد. از این‌رو تدوین اقتصاد اسلامی و روشن‌ساختن مرزهای آن از اقتصاد متعارف پاسخگوی بسیاری از کاستی‌های موجود خواهد بود. گزارش حاضر ترجمه فصل ۱۰ کتاب *Macroeconomic Theory and its Failings* با عنوان *An Islamic economic perspective on the global financial crisis* بوده که پس از بیان تمایزات میان اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف، به بررسی ویژگی‌های اسلام و ریشه‌های ایجاد بحران مالی از دیدگاه اسلامی می‌پردازد.

## ۲. اقتصاد اسلامی چیست؟

اقتصاد اسلامی عبارت است از دانشی که به تجزیه و تحلیل، شفاف‌سازی و چاره‌اندیشی مشکلات اقتصادی (بر اساس روش و معیار اسلامی) می‌پردازد. اسلام در لغت به معنی آسایش خاطر و آرامش درونی است که از طریق تسلیم‌شدن و یا دادن اختیار خود به خداوند (تسلیم امر و نهی وی) بر مبنای قوانین آشکار به دست خواهد آمد. در قرآن کریم، انسان‌ها امانتدار خدا روی زمین و متعهد به رعایت قوانین مطابق با شریعت در زندگی خود می‌باشند. در واقع این چنین تعهدات، تمایز و برتری میان روحانیت (تقدس) و غیرروحانیت ایجاد نمی‌کند، بلکه به‌طور ذاتی تنها بر مفهوم امانتداری تأکید می‌کند. از دیدگاه مسلمانان، مالک تمام ثروت و منابع طبیعی، خداوند است و انسان‌ها تنها امانتدار و پاسخگوی اعمال خود نزد خداوند هستند. از این‌رو، با رعایت یک سری اصول اخلاقی و عدالت می‌توان به مفهوم امانتداری نزدیک‌تر شد.

### ۳. تمایزات اقتصاد اسلامی از اقتصاد متعارف

به عبارت کلی، اقتصاد اسلامی محدوده تجزیه و تحلیل اقتصاد متعارف را از طریق بررسی مذهبها و جنبه‌های اخلاقی زندگی اقتصادی، وسیع‌تر می‌نماید. به نقل از چپرا (۲۰۰۰):

«الگوی اسلامی مقدمات مهمی از جمله ارزش‌های اخلاقی، انسانیت و عدالت اقتصادی- اجتماعی را دربردارد. در واقع این الگو بر دگرگونی‌های اجتماعی از طریق اصلاح افراد و جامعه بدون قرارگیری بازار و دولت در بی‌عدالتی تأکید دارد.»

این کاملاً قابل درک است که به طور عام، اسلام روشی است قاعده‌مند از جستجوی معنوی زندگی، در حالی که اقتصاد متعارف در میان یک سری مقررات دنیوی جهت دستیابی به تفاوت‌هایی در قالب مثبت و قانونی بودن آنها گسترش پیدا کرده است. این مسأله به این صورت قابل بحث است که این تضادها (تفاوت‌ها) از میزان وحدانیت ریشه‌ها می‌کاهد. در واقع، مشکلات و مسائل مربوط به سیاست عمومی (دولتی) غرب بر ارزش‌های اجتماعی با منشأ مذهبی دلالت دارد، در حالی که چارچوب تصمیم‌گیری بر اساس مبنا و اصول شریعت اسلامی، نقش عقل را در جنبه‌های کاربردی مختلف مذهب تصدیق می‌نماید.

از سوی دیگر، یک مسلمان، نزول و وحی الهی را به عنوان یک منبع علمی بر مسائل ماورای طبیعی مانند اخلاق و عدالت می‌پذیرد؛ به طوری که تحولات مربوط به استاندارد روش‌شناسی علم اقتصاد، در مسیر پاسخگویی به ارزش‌ها و تئوری اخلاقی بوده است. اقتصاد به طور خاص به این مسأله می‌پردازد که انسان (انسان اقتصادی) به عنوان مجموعه‌ای از مزیت‌ها به تعادل میان تغییرات در هزینه‌ها و منافع حاصل از منابع می‌پردازد. به طور مشابه نیز اسلام، بشریت را به عنوان بنده و نماینده خدا روی زمین معرفی می‌نماید. از این رو پیروان مذهبی بایستی حتی با پرداخت هزینه، جهت تطبیق رفتار خود با مدل برخاسته از شریعت که تأکید زیادی بر حفظ معنویات دارد، تلاش نمایند.

با توجه به این دیدگاه، اقتصاد اسلامی مفهوم مطلوبیت را از سه طریق بیان می‌نماید: اول اینکه، مطلوبیت یا رضایتمندی جهت دستیابی به معنویات و همچنین مادیات گسترش یافته است. دوم، مطلوبیت یک فاصله موقتی میان این دنیا و آخرت است و سوم اینکه با تأکید بر شناخت تعهدات اجتماعی می‌توان این‌گونه بیان نمود که رفاه و مطلوبیت در مفهوم واقعی بدون توجه به رفاه دیگران، دست‌یافتنی نخواهد بود. نتیجه آنکه عقلایی بودن، جایگزینی است برای وفادار بودن کسی که علائق شخصی خود را مطابق با محدودیت‌ها و با توجه به علائق اجتماعی و گروهی دنبال می‌نماید.

در این میان، نفع شخصی نیز انکار نشده است. در حقیقت، قرآن کریم بر این عقیده است که انسان‌ها افرادی حریص و طالب حق مالکیت هستند. به عنوان نمونه در آیات ۶-۸ سوره عادیات می‌خوانیم:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ؛ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكْ لَشَهِيدٌ؛ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ.»

«همانا انسان‌ها نسبت به پروردگارشان سخت ناسپاس هستند و او خود بر این امر گواه است و به راستی آنها سخت شیفته مال و ثروت‌اند.»

در مقابل، نفع شخصی از طریق تقویت اخلاقی برای ایجاد شکل هدایت‌شده و کلی آن می‌تواند قاعده‌مند گردد؛ به‌طوری که خان و بتی (۲۰۰۸) عنوان «وضعیت نفع شخصی الهام‌شده از جانب خداوند<sup>۱</sup>» را برای آن به کار می‌برند. قرآن کریم معتقد است که هر فرد، عضوی از خانواده خداوند است و سهم و حقوق آنها در منابع طبیعی و ثروت خدادادی یکسان است. در آیه ۱۶ سوره تغابن می‌خوانیم:

«فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَطِيعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفُسَكُمْ خَيْرًا لَّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

«پس تا می‌توانید از خدا پروا بدارید، بشنوید و فرمان ببرید و مالی برای خودتان (در راه خدا) انفاق کنید و کسانی که از خست نفس خویش مصون مانند، آنان رستگاران‌اند.»

نتیجه اینکه، افراد باایمان با تکیه بر نیروهای اخلاقی از قبیل نوع‌دوستی، همکاری، برادری، اتحاد، مهربانی و احترام متقابل به مقابله با خودپسندی و حرص و طمع خود می‌پردازند.

در اقتصاد اسلامی، فعالان و شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های اقتصادی می‌بایستی اهداف خود را متناسب با مذهب دنبال کرده و به طور کامل تسلیم قوانین و اصول جامعه، ارزش‌ها و انتظارات باشند. در این زمینه، آزادی مطلق برای تصمیم‌گیری فردی وجود ندارد، بلکه تصمیم‌گیری‌ها، مدیریت و محدود به قوانین طراحی‌شده در این زمینه (اصول و مبانی شریعت) می‌باشند. این بدان معنی است که منابع اقتصادی و تلاش‌های انسان‌ها جهت دستیابی به مطلوبیت و یا رضایت در دو سطح مادیات و معنویات به کار گرفته شده و در واقع این‌گونه فعالیت‌های اقتصادی هر دو منفعت مالی و اجتماعی را دربر خواهد داشت. از این‌رو، دستیابی به مادیات، بدون غنی‌سازی معنویات، بی‌ثبات و بی‌سرانجام خواهد بود و ایجاد توسعه کامل جامعه و افراد در گرو برقراری تعادل میان این دو عامل می‌باشد.

#### ۴. دیدگاه‌ها و نظریات مختلف در زمینه اسلام

از دیدگاه اسمیرنو (۱۹۹۶)، اسلام به حمایت و تقویت بازار آزاد و تجاری پرداخته و تجزیه و تحلیل رفتار فعالان بازار نسبت به انگیزه‌های مالی (پولی) را نیز کاملاً در خود جای داده است. اسلام برای انتشار و تصویب قوانین و مقررات مربوط به رفتار کلیه موارد مربوط به فعالیت انسان‌ها تفاوت‌هایی قائل است. اسلام از طریق نهاد بازار به بررسی بازتاب خود بر سازماندهی دیگر حوزه‌های تعاملات انسانی می‌پردازد. در واقع رفتار بازار همگام با دیگر کنش‌های انسانی (از قبیل سازمان‌های سیاسی و اقتصادی-اجتماعی) آماده است تا با استناد به اهداف پیچیده و ساده زندگی انسان‌ها در رابطه با احکام عدالت (تئوری عدالت) بررسی و اصلاح گردد. در حقیقت، این مسأله به اندازه‌ای است که از ابن‌سینا، دانشمند مشهور مسلمان نقل شده است که عدالت به دست‌آمده از طریق قانون برای حفظ و نگهداری زندگی انسان‌ها روی زمین ضروری و حتمی می‌باشد.

لیندهلم (۱۹۹۶) معتقد است، این مسائل (اسلام) به تاریخ شروع دین و مذهب برمی‌گردد. در واقع، اقتصاد اسلامی بر اساس تصویری از یک نظم و الگوی مستقل در نیمه دوم قرن بیستم در نظر گرفته شده که به عنوان یک عامل خردمند

در سرزمین‌هایی با اکثریت جمعیت مسلمان جهت تأثیر بر روش‌های پیشنهادی سازمان‌های اجتماعی مدرنیزه، آغاز به کار نموده است که تا مدت‌ها این مسأله جزء لاینفک اتحاد و فلسفه اخلاقی اسلام به شمار می‌رفته است. تولد اسلام بر خلاف مسیحیت در زمان امپراطوری نبوده، بلکه در خارج از دو امپراطوری زمان خود و دوران ایجاد یک فرمانروایی جدید با به رسمیت و قانونی‌شمردن ایمان و اعتقاد متولد گردیده است. با نگاهی به عقاید و نظرات مسلمانان درمی‌یابیم که در آن هنگام، اسلام به عنوان یک طرح و الگوی اولیه برای نزدیکی اجتماعی شهروندان بوده؛ به طوری که از دیدگاه مسلمانان، تمام اعمال خوب انسان‌ها را می‌توان به انگیزه ایجادشده ناشی از ایمان نسبت داد و بدی‌هایی که باعث انحراف از مجموعه فرمایشات پیامبر و جانشینان وی شده است را می‌توان در طول آنچه به عنوان «عصر طلایی» اسلام است، جستجو نمود.

از دیدگاه اقبال و لوئیس (۲۰۰۹) این‌گونه روندهای تکاملی متفاوت (متمایز) کاملاً قابل توجه بوده است؛ به طوری که مسیحیان جذب‌شده در زمان باقی‌مانده از امپراطوری رم با یک سری تجملات نظام فتودال (زمین‌داری) مواجه بوده‌اند. در جامعه فئودالی، اکثر مبادلات در راستای نوع و مسیر ایده‌های ارسطویی بوده و مسیحیت برای یک دوران مهم، یک نوع ناسازگاری و مخالفت را با بازار تجاری و مبادله در پیش گرفته بودند. اما در مقابل، اسلام به رسیدگی به مشکلات مربوط به مبادلات بازار آزاد (پولی) در شهرهای عربی پرداخته و با اتصال مسیرهای ارتباطی به یکدیگر و مناطق کوچک آسیایی، زمینه تشویق و رشد بازرگانی (کسب‌وکار) را فراهم می‌نمود. در این میان، در اسلام برای ایجاد شفافیت تجاری و جلوگیری از بی‌عدالتی، چارچوبی با جزئیات قرار داده شده است که در آن ربا، شرط‌بندی و غرر ممنوع می‌باشد. از این رو این چارچوب مبنای عدالت در مبادلات را تشکیل می‌دهد.

از سوی دیگر، مکتب‌های عمده در زمینه مبادلات عادلانه (منصف) سکوت اختیار نموده‌اند. به عنوان مثال، دیدگاه مارکسیست و آزادی‌خواه‌ها به تعریف دو قطب مخالف می‌پردازند. از نظر کلی، اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده با بازار شناخته‌شده، هیچ ارتباطی ندارد. دیدگاه طرفداران آزادی‌خواه، پذیرش بازار کامل نیست اما اصولی از جمله «آزادی منفی»<sup>۱</sup> و «بهینگی پارتو»<sup>۲</sup> را به عنوان معیاری در مبادلات بازار در نظر می‌گیرند. لیبرالیسم از طریق تحمیل قوانین مربوط به رقابت عادلانه و نظام حمایتی مصرف‌کننده، به ایجاد رفاه پرداخته که البته تا حدودی از دیدگاه اسلامی چندان دور نیست و بیشترین تمرکز آن بر عوامل بیرونی از جمله مخارج دولت و اصلاح بازار از طریق مالیات، سیاست رقابتی و توزیع مجدد می‌باشد.

از دیدگاه اسلامی، اگرچه اصلاحات خارجی جهت جلوگیری از سقوط و نابودی ضروری است اما در این مسیر، محدودیت‌های زیادی برای رسیدن به آن وجود دارد. ما نمی‌توانیم اصل و ریشه سازوکارها و مبادلات داخلی را به خاطر مفاهیمی از جمله بی‌عدالتی و امکان ظلم به مردم نادیده بگیریم؛ زیرا زمانی که بازار به حفظ و بقای خود می‌پردازد، اهداف نیز به طور ذاتی به اصلاح و تجدیدنظر آن پرداخته و در نهایت، بر اساس اصول و پایه‌های اخلاقی سازماندهی می‌گردد. در این زمینه، اهمیت نخست به مسئولیت افراد جهت انجام تعهدات مربوط به حمایت خود، خانواده، همسایگان، نزدیکان و سایر افراد برمی‌گردد. در واقع یک ایده مطرح است که اگر حفظ و نگهداری نهادها و بنیان سالم که بنای یک جامعه را تشکیل می‌دهد، جزء مسئولیت‌های دولت باشد تا با آن به یاری وقایع خارج از کنترل افراد بپردازند، لذا تفاوت‌ها

---

1- Negative Freedoms  
2- Pareto Optimality

دوباره با ورود دولت به عنوان مجری عدالت از طریق قوانین آشکار می‌گردد. لذا در مجموع می‌توان گفت که تجزیه و تحلیل نقش مالی دولت نیز با بررسی تئوری‌ها و اهداف عدالت- نه از طریق مطالعات چیزی که بازار می‌تواند و یا نمی‌تواند انجام دهد- آغاز گردیده و از این طریق نشان می‌دهد که چگونه یک بخش از تئوری عدالت اسلامی با دیگر بخش‌های آن گره و پیوند خورده است.

در این زمینه، برای ایجاد عدالت در مبادلات، احکام و دستورات مثبت و منفی در ارتباط با اصول اخلاقی در اسلام وجود دارد که این احکام مثبت ارائه شده در ذیل، برای اطمینان از الگوی باثبات رفتار بازار و ثروت‌اندوزی (نگهداری ثروت) طراحی شده است.

#### ۴-۱. احکام مثبت اصول اخلاقی در اسلام

##### - حقوق مالکیت<sup>۱</sup>

اسلام به اموال خصوصی و حقوق مالکیت احترام می‌گذارد. حقوق مالکیت روشی مؤثر در افزایش کارایی بازار و همکاری متقابل به شمار می‌رود، با این حال در اسلام، حق مالکیت خصوصی به طور مطلق نیست. زیرا خداوند مطلق و مالک ابدی و ازلی هر چیزی روی زمین و آسمان است و انسان‌ها نماینده سخنگوی او روی زمین و حافظ دارایی‌ها و تملکات خداوند می‌باشند. از این رو، حق مالکیت دارایی، امانتی (اطمینان) برای کسب لذت‌ها، مشروط بر پیروی از اصول و مبانی منطبق بر شریعت در نظر گرفته شده است.

##### - رضایتمندی<sup>۲</sup>

قرآن کریم همکاری متقابل و رضایتمندی را به عنوان امری واجب و ضروری برای سلامتی مبادلات تجاری وضع نموده است. در آیه ۲۹ سوره نساء می‌خوانیم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال همدیگر را به ناروا مخورید مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر از شما انجام گرفته باشد.»

حقوق اسلامی، آزادی قراردادها را مشروط بر عدم تعارض با دستورالعمل‌های شریعت فراهم می‌نماید. به طور خاص، شریعت، مجوز هر گونه تشکیلات و سازمانی را مبنی بر رضایت افراد و انجام عملیات انتقال (تولید) سودده منابع طبیعی، مشروط بر سهم یکسان از سود نامعین مبادلات را بدون کلاهبرداری، دخالت افراد نفوذی و یا غیرواقعی نشان‌دادن مدارک، تصدیق می‌نماید.

## – جامعیت قراردادی<sup>۱</sup>

قراردادهای تجاری به تعهدات اخلاقی و قانونی وابسته هستند. در واقع صداقت، امانتداری، درستکاری و انصاف، اموری پسندیده در معاملات به حساب می‌آیند. تاجر مسلمان فردی است پایبند به ارزش‌های رفیع اخلاقی و از هرگونه فریب و سوءاستفاده دیگران به دور می‌باشد. از اینرو انحصار در فروش و قیمت‌های ثابت ممنوع است و به طور کلی بازار، آزاد می‌باشد و نتایج حاصل از تجارت و مبادله می‌بایستی منصفانه باشند. از این‌رو، در ارتباط با بدهی و حق بر ذمه شخص در آیه ۲۸۲ سوره بقره آمده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايْتُمْ بَدْيِينَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يُبَٰعَ وَلَا يَبْعَسُ مِنْهُ

شَيْئًا»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه وامی با سررسیدی معین، با یکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید و باید نویسنده‌ای (صورت معامله را) بر اساس عدالت، میان شما بنویسد و هیچ بدهکاری نباید از نوشتن خودداری کند و از آن چیزی نگاهد.»

به طور کلی زیربنای باور و عقیده اسلامی بر این است که می‌بایستی تردید و نااطمینانی از معاملات میان افراد حذف گردد. از این‌رو، در بنگاه‌های تجاری، بازرگانی و مشابه آن، کلیه حقوق شرکا و تعهدات می‌بایستی برای بررسی، بازمینی و تأیید کاملاً مکتوب و ثبت گردد.

## – بخشش و سخاوت<sup>۲</sup>

آیات و نشانه‌های فراوانی در قرآن کریم موجود است که همگی بر خیرخواهی و سخاوتمندی به عنوان بزرگ‌ترین خصایص انسانی تأکید می‌نمایند. فعالیت‌هایی با انگیزه عدم سودآوری از جمله قرض‌الحسنه با ایجاد مشارکت و همیاری مثبت در جامعه، شدیداً مورد تأکید قرآن کریم قرار گرفته و حمایت از نیازمندان واقعی نیز مورد توجه پیامبر اکرم بوده است. در این میان صدقه‌دادن به شکل زکات یک مالیات اجباری است که یکی از اصول پنج‌گانه اسلام را دربرمی‌گیرد. درواقع صدقه نه مالیات است و نه یک برنامه رفاهی. بلکه زکات، تعهد مسلمان نسبت به خداوند است. به عبارت دیگر، زکات صرفاً یک همکاری و تعاون نیست بلکه دین به حساب می‌آید.

## ۲-۴. موارد نفی شده در اسلام

در اسلام ممنوعیت‌هایی نیز در ارتباط با رفتار اقتصادی وجود دارد که عمده این ممنوعیت‌ها عبارت‌اند از:

---

1- Contractual Integrity  
2- Benevolence



## – افراط و احتکار<sup>۱</sup>

در اسلام، مدیریت و تعادل الگوی مصرف‌کننده توصیه شده و خوش‌گذرانی و مصرف‌گرایی به عنوان زمینه‌های ایجاد فقر، نهی شده‌اند؛ به‌طوری که اقتصاد (مدیریت)، عدالت، احسان، امانت، انفاق، شکیبایی و رفاه عمومی از جمله ارزش‌های مثبت در نظر گرفته شده‌اند و از یک سری ارزش‌های منفی از جمله ظلم، بخل، حرص و آز، ثروت‌اندوزی و اسراف اجتناب شده است. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی همراه با پارامترهای مثبت، حلال و با پارامترهای منفی، حرام می‌باشند.

## – تقلب و فساد<sup>۲</sup>

هر گونه فعالیت ناشی از کلاهبرداری و تقلب که باعث کسب منفعت ناعادلانه از سایرین می‌گردد، از نظر اسلام به شدت تحریم‌شده و ممنوع می‌باشد. در اینجا، تقلب عبارت است از عملی مشتمل بر استفاده از ابزارهای ناعادلانه و کسب منافع یک گروه با اعمال هزینه برای دیگران. کلاهبرداری از دیدگاه قرآن کریم و طرفداران اهل سنت ممنوع است و به عنوان تهدیدی جدی برای جامعه، اقتصاد و تعادل اکوسیستم در نظر گرفته می‌شود.<sup>۳</sup> از این‌رو، فعالیت‌های اقتصادی می‌بایستی بر مبنای اصول اخلاقی و قانونی (مشروع) باشند؛ به‌طوری که افراد نسبت به یکدیگر در جامعه احساس مسئولیت کنند و یک فرد به تنهایی نمی‌تواند از زندگی خود لذت ببرد در حالی که این امکان برای دیگران وجود ندارد. به طور کلی هدف از نظام اقتصادی اسلامی، رفاه عمومی جامعه بر اساس احترام به حقوق افراد است به‌گونه‌ای که انسان‌ها زندگی و معیشت خود را از راهی مفید و عادلانه بدون سوءاستفاده و استثمار دیگران به دست آورند.

## – ربا

هرگونه نرخ بازده از پیش تعیین و تضمین‌شده در قرارداد مالی، بهره به شمار می‌رود و قرارداد مبتنی بر بهره، باطل و درآمد حاصل از آن، حرام است. افزون بر آن، برای قرض‌دهنده‌ای که اصل پول او تضمین شده است، هیچ حقی در بازده سرمایه وجود ندارد. از این‌رو، ربا یا بهره در اسلام به شدت منع شده است و دریافت و پرداخت بهره که در سیستم اقتصاد متعارف مرسوم است، مستقیماً در آیات قرآن کریم (فقه) از طریق چهار دستور و فرمان نهی شده است.<sup>۴</sup>

اول آنکه، بهره، برکت ثروت‌های خدادادی را از بین می‌برد؛ دوم، ورود بهره باعث تخصیص نادرست دارایی‌های مربوط به دیگران می‌شود؛ سوم اینکه به صراحت در روایات، مسلمانان به دوری از بهره جهت منفعت بیشتر دارایی‌هایشان سفارش شده‌اند و در نهایت ایجاد تمایز میان بهره و تجارت است که مسلمانان معتقد را به گرفتن اصل مبلغ و چشم‌پوشی از مبلغی که قرض‌گیرنده در پرداخت آن ناتوان است، توصیه می‌نماید. اهل سنت و قرآن کریم، دریافت بهره بر وام‌های پرداختی را به عنوان عملی انتفاعی و ناعادلانه توصیف کرده و آن را منافی با مفاهیم اسلامی از جمله انصاف، عدالت و حقوق مالکیت می‌دانند از این‌رو، مبنای کار در روش‌های تأمین مالی اسلامی بر اساس اصل تسهیم سود و زیان می‌باشد.

1- Extravagance and Hoarding  
2- Fraud and Corruption

۳- آیه ۸۵ سوره هود، آیات ۲۸-۳۰ سوره عنکبوت، آیه ۴۱ سوره روم و آیه ۱۲ سوره فجر.  
۴- آیه ۳۹ سوره روم، آیه ۱۶۱ سوره نساء، آیات ۳۲-۱۳۰ سوره آل عمران، آیات ۸۱-۲۷۵ سوره بقره.

## – غرر<sup>۱</sup>

قمار و شرطبندی جهت کسب درآمد بدون هیچ‌گونه تلاشی به صراحت در قرآن کریم، نهی شده است.<sup>۲</sup> قانون اسلامی (فقه) نیز هر گونه بیع (فعالیت تجاری) غرری را نهی کرده است. در واقع اسلام، قراردادهایی که در اثر خدعه، غفلت و جهالت و یا هر عامل دیگری صفت غرری پیدا می‌کنند و مالکی از طرفین معامله یا هر دو را در معرض هلاکت و نابودی قرار می‌دهند از دایره بیع‌های مجاز خارج نموده و حکم به فساد آنها داده است. از این‌رو اسلام برای سامان دادن معاملات مردم و جلوگیری از نزاع‌ها و اختلافات، تمام معاملات غرری را باطل می‌شمارد و اگر این غرر ناشی از خدعه و نیرنگ یکی از متعاملین یا هر دو باشد، علاوه بر حکم وضعی بطلان، حکم تکلیفی حرمت نیز خواهد داشت. در این میان معاملات سفته‌بازی نیز به دلیل ویژگی‌های آن ممنوع می‌باشد.

## ۵. اسلام و بحران

بحران مالی جهانی با یک شوک و ایجاد مشکلاتی در دریافت اعتبارات خرد داده‌شده به دلیل شرایط نامطلوب اقتصادی آغاز گردید و در حال حاضر، بر اساس دیدگاه مدیر صندوق بین‌المللی پول، دنیا در یک رکود اقتصادی عمیق قرار گرفته است. با وجود مطالب و مباحث مختلف از مراحل تحولات رخ داده و مشخص بودن منشأ و اجزای اصلی آن، تکرار مجدد آن در این قسمت لازم به نظر نمی‌رسد و تنها به ذکر این نکته بسنده می‌شود که بانک‌های زیادی مایل به وادار و متعهدنمودن مالکان به قرض گرفتن از آنها برای اهداف مصرفی در مقابل افزایش ارزش خانه‌هایشان بوده‌اند، به طوری که با پرداخت وام‌هایی، در بعضی موارد حتی بیش از ۱۰۰ درصد ارزش ملک، به اولین خریداران کمک می‌کنند و در بعضی موارد، به افرادی که در بازپرداخت بدهی‌هایشان از توانایی کمتری برخوردارند، با یک نرخ ضمانتی تعدیل شده برای سطوح قراردادهای با ارزش زیاد و به صورت محدود به پرداخت وام می‌پردازند. در سال ۲۰۰۶، نزدیک به ۵۰ درصد از وام‌های خانه‌های نوساز آمریکا شایستگی لازم برای دریافت بیمه را از بیمه‌گران رهنی نداشتند<sup>۳</sup> و وام‌های دیگر نیز- که بالاتر از وام‌های پرخطر بودند- به دلیل کمبود و یا نبود اسناد و مدارک کافی از سوی شرکت‌های بیمه قابلیت بیمه و تضمین نداشتند.

از این‌رو، طی چند سال گذشته تعهدات بدهی وثیقه‌ای<sup>۴</sup> (CDO) تبدیل به ابزار مطلوبی برای سرمایه‌گذاران شده است. در واقع دو نهاد اصلی وام مسکن تحت عناوین فانی می و فردی مک، در بازارهای ثانویه به خرید و بسته‌بندی وام‌های مسکن از بانک‌ها پرداخته و این بسته‌ها را به عنوان یک اوراق قرضه از جانب خودشان در بازار دیگری می‌فروختند. البته این دو مؤسسه به منظور حمایت از افراد کم بضاعت‌تر برای خانه‌دار شدن، صرفاً وام‌هایی را می‌خریدند که اولاً ارزششان کمتر از سیصد هزار دلار باشد و ثانیاً با بررسی‌هایی که انجام می‌دادند، افراد گیرنده وام هم یک اعتبار نسبتاً خوبی داشته باشند.

### 1- Gharar

۲- آیات ۹۰-۹۱ سوره مائده.

۳- شامل وام‌های مسکن با درجه ریسک بالا (Subprime) می‌باشد. در این خصوص کنگره آمریکا دو نهاد با نام فانی می (fanni mae) و فردی مک (Freddie Mac) ایجاد کرد که وام‌های مسکن را از این بانک‌ها می‌خریدند و آنها را در یک بسته‌ای می‌گذاشتند و این بسته را به عنوان یک اوراق قرضه از جانب خودشان در بازار دیگری می‌فروختند. البته این دو مؤسسه به منظور حمایت از افراد کم بضاعت‌تر برای خانه‌دار شدن، صرفاً وام‌هایی را می‌خریدند که اولاً ارزششان کمتر از سیصد هزار دلار باشد و ثانیاً با بررسی‌هایی که انجام می‌دادند، افراد گیرنده وام هم یک اعتبار نسبتاً خوبی داشته باشند.

### 4- Collateralized Debt Obligation (CDO)

می‌فروختند و شرایط خاص آن موجب گمراهی مؤسسات رتبه‌بندی اعتباری، بانک‌ها و سرمایه‌گذاران گردید؛ به طوری که بانک‌ها در اعطای این وام‌ها بسیاری از ملاحظات را لحاظ نکردند و ارزیابی صحیح از مشتریان (اعتبارسنجی) را انجام ندادند و حتی برخلاف گذشته تا بیش از ۹۰ درصد از ارزش خانه را به مشتریان تسهیلات اعطا کردند. این امر با افزایش تقاضای مسکن، باعث توسعه شدید بازار مسکن در آمریکا شد.

اشتباه بزرگی که در آن سال‌ها اتفاق افتاد این بود که این اوراق بسیار کم‌ریسک در نظر گرفته می‌شد به نحوی که قیمت این اوراق بسیار نزدیک به اوراق قرضه بانک مرکزی آمریکا (فدرال رزرو) بود. از سوی دیگر، بانک‌ها عملاً با فروش وام‌ها به این دو مؤسسه احساس می‌کردند که ریسک را از بین برده و در این میان یک سود ناشی از کارمزد به آنها تعلق می‌گیرد که سودی بدون ریسک به نظر می‌رسید. از سوی دیگر، زمانی که بانک‌ها متوجه شدند که بازار این اوراق بسیار پررونق است، خودشان اقدام به بسته‌بندی کردن و فروختن وام‌های مسکن بالاتر از سیصد هزار دلار کردند و مشتریان هم شروع به خریدن این بسته‌ها کردند و چون ریسک آن هم بسیار پایین در نظر گرفته می‌شد، در نتیجه از این کار استقبال بسیار خوبی شد. این اوراق نه تنها در بورس‌های آمریکا، بلکه در بورس‌های سایر کشورهای اروپایی و آسیایی نیز به فروش رسید و تعدادی از شرکت‌های بیمه نیز این اوراق را تضمین و بیمه کردند.

از سوی دیگر، ضعف مؤسسات رتبه‌بندی اعتباری در فرایند تبدیل وام‌های رهنی به اوراق بهادار باعث گردید رتبه‌های بسیار خوبی برای این وام‌ها قائل شوند و حق‌الزحمه‌ای هم از جانب بانک‌ها به این مؤسسات اعطا شود. از این‌رو، سابقه خوب این بازار و همچنین سودی که شرکت‌های رتبه‌بندی از اعطای رتبه بالاتر به وام‌ها نصیب‌شان می‌شد، سازوکار مشکل‌دار دیگری بود که وجود داشت. دیگر سرمایه‌گذاران نیز درک نادرستی از رتبه‌های اعتباری این اوراق داشتند، زیرا رتبه‌های اعلامی توسط این قبیل مؤسسات رتبه‌بندی تنها شامل ریسک اعتباری بوده و ریسک نقدشوندگی و ریسک بازار را **دربر نمی‌گرفت**. درواقع بسیاری از سرمایه‌گذاران درک درستی از رتبه‌بندی و همچنین ارتباط بین ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و ریسک بازار نداشتند لذا کلیه این عوامل باعث واردآوردن موجی از شوک بر سیستم مالی جهانی گردید که به نظر می‌رسید مقاومت و ایستادگی در مقابل این مشکلات امکان‌پذیر نباشد.

## ۱-۵. ریشه و علت مشکلات بحران مالی از دیدگاه اسلامی

از دیدگاه اسلامی، علت و ریشه بسیاری از مشکلات، اصولی و پایه‌ای است؛ به طوری که در این زمینه، منتقدان اسلامی بیشترین تمرکز خود را بر نقش حرص و آز، غرر، سفته‌بازی، حاکمیت، بدهی با نرخ بازدهی ثابت (ربا) و رشد روش‌های نادرست سرمایه‌داری مالی (تأمین مالی) قرار داده‌اند. از این‌رو، در این قسمت به معرفی هر یک از موارد فوق می‌پردازیم.

### – حرص و طمع<sup>۱</sup>

بدون شک زیاده‌خواهی (طمع) باعث تشویق بانکداران به خرید وام‌های رهنی، دریافت سود ناشی از کارمزد، خرید وام‌ها و قراردادن وام‌ها در بسته‌های مختلف با نام اوراق بهادار در گرو رهنی<sup>۲</sup> بدون هیچ‌گونه تحقیق و بررسی خواهد شد.

1- Greed

2- Mortgage-Backed Security

تقریباً می‌توان گفت که تعهدات بدهی متکی به وثیقه شامل اوراق (بهادار) رهنی حقیقی نبوده و در مقابل، ابزارهای مشتقه از جمله سوآپ نکول اعتباری<sup>۱</sup> باعث ایجاد پل ارتباطی با اوراق‌های رهنی می‌باشند. از این‌رو، بانک‌های سرمایه‌گذاری، بیشتر مایل به ترکیبی از تعهدات بدهی متکی به وثایق متشکل از سوآپ نکول اعتباری هستند زیرا آنها از پرداخت هرگونه هزینه مربوط به اوراق بهادار اجتناب می‌ورزند، در حالی که تواناسازی بانک‌ها به ایجاد تعداد زیادی از این‌گونه تعهدات، به بسته‌های مختلف با نام اوراق قرضه رهنی<sup>۲</sup> وابسته است. از این‌رو، زیاده‌خواهی و طمع باعث گردیده اعطای وام به مشتریان با سطح اعتباری کم، توسط بانک‌ها آغاز و ایجاد بازاری برای تعهدات بدهی (وثیقه) در میان صندوق‌های ضمانتی و دیگر سرمایه‌گذاران حرفه‌ای به وجود آید که در نتیجه باعث گسترش شبکه واسطه‌گران (دلان) رهنی- که تقریباً ۸۰ درصد از بازار رهنی و دریافت بالاترین کمیسیون‌های مربوط به آن را برای ایجاد بازدهی‌های بالاتر (مربوط به وام‌های رهنی پرخطر) دربرمی‌گیرند- خواهد شد.

در این زمینه طمع، خریداران ملک را نیز تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. آنها از طریق جذب نرخ‌های پایین پیشنهادی و دادن اختیار معامله<sup>۳</sup> به دریافت تسهیلات پرداخته و معتقدند در صورت کاهش قیمت‌ها و عدم توانایی در بازپرداخت وام‌ها، به ترک خانه و واگذاری آن به بانک‌ها خواهند پرداخت. از این‌رو، به‌نظر می‌رسد وام‌های با ریسک بالا می‌بایستی به طور نسبی برای قرض‌گیرندگان ثروتمند (مصرفی) باشد- یعنی کسانی که از نظر تئوری شرایط لازم برای دریافت وام‌هایی با ظرفیت بالا را دارند- اما در عمل این افراد از نرخ‌های ابتدایی پایینی برای به دست آوردن خانه- سرمایه‌گذاری‌های سفته‌بازی- استفاده نموده‌اند.

بر اساس برنامه جدید ثبات مالی آمریکا که در ۱۰ فوریه سال ۲۰۰۹ اعلام گردید، شفافیت، حسابرسی و نظارت بر مؤسسات دریافت کمک‌های استثنایی فدرال، افزایش یافته و کلیه بانک‌های اصلی در وضعیت آزمون فشار قرار گرفته‌اند، به طوری که رئیس بانک مرکزی آمریکا به عنوان قدرتی بزرگ‌تر آمادگی کامل برای اجرای برنامه محرک اقتصادی را اعلام نموده است.

در حقیقت، پدیده فساد، زیاده‌خواهی بشریت، رفتارهای بی‌ملاحظه و مخاطره‌آخلاق به عنوان عوامل کلیدی زندگی افراد (درمان‌ناپذیر) پذیرفته شده‌اند. آنها می‌توانند از طریق نظارت‌های بیشتر خارجی و حسابرسی، با رکود بازارها به مقابله بپردازند. از دیدگاه اسلامی، اخلاق یکی از مشکلات پیش‌رو است که می‌بایستی از طریق بازسازی اخلاقی افراد بهبود یابد. به طور کلی می‌توان عدم موفقیت و شکست در این مسیر را از دو جنبه دنبال نمود: اول اینکه همواره ممکن است مناطقی وجود داشته باشند که به مقررات و دیگر محدودیت‌های خارجی دسترسی نداشته باشند. لذا در چنین محیطی، فراهم‌نمودن تعداد مورد نیاز مأموران نظم‌دهنده به امور، حسابداران و بازرسان بانک جهت رسیدگی به سهم کوچکی از کلیه معاملات مالی انجام‌شده در اقتصاد، به سادگی امکان‌پذیر نیست. در این رابطه، هنجارهای اخلاقی فائق گردیده و نگرش‌های اجتماعی و ارزش‌ها می‌توانند فشار بیشتری به آنها وارد کرده و یا باعث تضعیف آنها گردند. دوم اینکه ممکن است استناد به محدودیت‌های خارجی باعث تضعیف تصمیمات درونی گردد.<sup>۴</sup> زمانی که قوانین از طریق

---

1- Credit Default Swaps

2- Mortgage-Backed Bonds

3- Put Option

۴- برای درک بیشتر موضوع می‌توان از دیدگاه دانشمند مشهور اسلامی، ابن خلدون استفاده نمود. وی بر نیروهای داخلی در مقابل اجرای قانون خارجی تمرکز نموده است.

روش‌های اعمال مجازات قابل اجرا می‌شوند، آنها به طور کامل بردباری و مسائل اخلاقی را نابود می‌کنند، زیرا استفاده از ابزار مجازات برای شخصی که توانایی دفاع از خود را ندارد، باعث ایجاد احساس حقارت در آن شخص می‌گردد. به طور کلی، در عقاید مسلمانان، استدلالی بر اینکه افراد پیرامون پیامبر، قوانین مذهبی را مشاهده کردند اما هیچ‌گونه کاهشی در میزان صبر و شکیبایی را تجربه نکردند، بلکه به کنترل بیشتر ثبات اخلاقی خود پرداختند، وجود ندارد. زمانی که مسلمانان مذهب و آیین خود را از محمد نبی دریافت نمودند، عده‌ای از افراد درون خود شروع به ممانعت و جلوگیری از آن پرداختند که در نتیجه تمام تشویق‌ها و مخالفت‌ها، پیامبر به آنها قرآن کریم را اهدا نمود. در این زمینه عمر بن خطاب (خلیفه دوم) گفته است که عدم تطبیق با قوانین مذهبی، به معنی عدم تعلیم از سوی خداوند است. اعتقاد و یقین وی آن بوده است که محمد به هر آنچه که برای بشریت مناسب است، آگاه می‌باشد.

### - غرر

غرر، ابهام، نااطمینانی و یا کمبود ویژگی‌های شرایط موجود در یک قرارداد مالی را نشان می‌دهد. از این رو در اسلام، غرر- به دلیل لزوم دسترسی آسان و مساوی اطلاعات برای کلیه معامله‌گرها- اکیداً ممنوع می‌باشد. این موضوع (احتیاجات) به طور یقین با بسیاری از اختیار معاملات مربوط به نرخ رهنی تعدیل‌پذیر<sup>۱</sup> (وام‌دهی اولیه) مطابقت ندارد. تا به امروز، معاملات با نرخ رهنی تعدیل‌شده به عنوان پرریسک‌ترین و پیچیده‌ترین محصولات مربوط به وام‌های مسکن، توصیف شده است. این نوع معاملات در سال ۱۹۸۱ ایجاد گردید که در ابتدا بازاری برای خریداران ثروتمند مسکن با انعطاف‌پذیری بالا بوده که به آنها پرداخت‌های ناچیز را به صورت ماهیانه و سپس پرداخت ارزش بیشتری از آن را به صورت یکجا پیشنهاد می‌نماید. در مقابل، محصولات از یک ابزار برنامه‌ریزی مالی ثروت به یک ابزار کارا و مناسب برای مالکان (مسکن) با اهداف بالا تبدیل شده است. با وجود شرایط حداقل پرداخت، معاملات با نرخ رهنی تعدیل‌شده، گروه جدیدی از خریداران را به بازار مسکن وارد می‌نماید که به دنبال آن جهش اقتصادی را به همراه خواهد داشت. به طور کلی، یک معامله با نرخ رهنی تعدیل‌شده با تعدادی از گزینه‌های انتخاب برای پرداخت، همراه می‌باشد که با وجود یک حداقل پرداختی، هزینه‌های بهره را پوشش نمی‌دهد. از این رو، نرخ بهره هر ماه تعدیل می‌گردد. (به عنوان مثال از نرخ اولیه ۷/۳۸ درصد به ۷/۹۵ درصد طی سال اول افزایش می‌یابد.) زمانی که قرض‌گیرندگان حداقل پرداخت را انجام می‌دهند، کسری بودجه به ترازنامه اضافه شده و موقعیتی را تحت عنوان استهلاک وام منفی به وجود می‌آورد. به طوری که با افزایش تراز از ۱۰ به ۱۵ درصد، وام‌ها مسکوت مانده و وضعیت جدید مالی در طول دوران باقیمانده از وام (عموماً سی‌ساله) مستهلک می‌گردد.

این نوع معاملات اگرچه به سرعت رشد یافت و در سال ۲۰۰۶، حداقل یک هشتم از کل بازار رهنی آمریکا را تشکیل داد، اما تنها به عنوان یک ابزار در بازار نبوده است. مشکل عمده در این بود که ۸۰ درصد از قرض‌گیرندگان این نوع معاملات تنها حداقل پرداخت را انجام داده‌اند و زمانی که قیمت مسکن یک باره شروع به کاهش نمود، قرض‌گیرندگان نتوانستند به افزایش سرمایه خود در مقابل نوسانات استناد نمایند. البته برخی از قرض‌گیرندگان از ریسک‌های موجود آگاه بودند، اما شواهد و حکایت‌ها مبنی بر این است که بسیاری از افراد، از نحوه عملکرد این نوع معاملات بی‌اطلاع بودند.

در این چرخه، اغلب قرض‌گیرندگان معاملات با نرخ رهنی تعدیل‌شده، وام‌های خود را به صورت نقدی پرداخت نمی‌کنند بلکه به نوعی از حقوق‌شان کاسته می‌گردد. به طور قابل توجه، زیر نظر اصول پذیرفته‌شده حسابداری<sup>۱</sup> (GAAP) بانک‌های قرض‌دهنده که بیشتر معاملات با نرخ رهنی تعدیل‌شده (نسبت به اوراق بهادار) را انجام می‌دهند، می‌توانند از طریق حسابداری و ارزیابی اطلاعات جمع‌آوری‌شده، درآمدی را به عنوان بالاترین مقدار از یک معامله ARM تحت عنوان ارزش مستهلک‌شده تا زمانی که قرض‌گیرندگان حداقل پرداخت را انجام می‌دهند، در نظر بگیرند. لذا، با این حال، چنین سودها و بهره‌های مخصوص، بانک‌ها توانستند به تولید درآمدهای آتی و ایجاد (خلق) آن چیزی که به عنوان «سودهای خیالی»<sup>۲</sup> شناخته شده است، بپردازند.

شورای استاندارد حسابداری مالی به عنوان اعضای مسئول برای نظارت و رسیدگی بر GAAP، جمع‌آوری و تألیف استانداردهای حسابداری را در مفاد اختیار معامله ARMs تأمین می‌نمایند. اما با جرأت می‌توان اظهارنظر کرد که شورا نسبت به افشاسازی انواع این وام‌ها نگران است زیرا شفافیت لازم در ارتباط با انواع ریسک‌های مربوط به آنها موجود نمی‌باشد. در این رابطه، از دیدگاه اسلامی مشاهدات انجام‌شده در ارتباط با ناظرین نرخ بهره‌دهایی این است که حسابداری استهلاک وام منفی، به‌طور صادقانه یک بازی کلاهبرداری و حيله‌گری می‌باشد به طوری که خلأ و کمبود اخلاق به خوبی در آن احساس می‌شود.

### – سفته‌بازی

معاملات سفته‌بازی و کلیه اشکال شرط‌بندی در اسلام به دلیل از بین رفتن زندگی اقتصادی-اجتماعی و اخلاقی ممنوع می‌باشد. لذا با توجه به آنکه منفعت و سود یک شخص به واسطه ایجاد هزینه برای دیگران ایجاد می‌گردد، از این‌رو، مخالفت و ناسازگاری نسبت به بیمه زندگی متعارف وجود دارد و به نظر می‌رسد این وضعیت برابر است با شرط‌بندی روی زندگی اشخاص به اضافه سوآپ، اختیار معامله، معاملات سلف و قرارداد معاملات سهام. این قبیل فعالیت‌ها باعث تشویق تمرکز ثروت در دست تعداد اندکی از افراد گردیده که در نتیجه نابرابری اجتماعی و اقتصادی را در بر خواهد داشت.

از سوی دیگر، مغایرت با تأمین مالی غربی، کلاهبرداری به حساب نمی‌آید. زیرا بسیاری از بانک‌های متعارف بزرگ به طور مشخص از طریق پذیرش ریسک، توسعه یافته‌اند. روش‌های قدیمی بر این اساس بوده است که بانک‌های تجاری یا ریسکی نداشتند و یا با ریسک‌های کمتری از جمله ریسک اعتباری روبه‌رو بودند و به همین علت گفته شده است که ریسک اعتباری به اندازه کافی آنها را دچار زحمت و آشفتگی خواهد کرد، به طوری که به همین دلیل، بحران بدهی جهان سوم سال ۱۹۸۰ و دارایی‌های نقد تجاری سال ۱۹۹۰ آشکار گردید. به طور کلی بانک‌ها به سمت ریسک بازار، ریسک سرمایه‌گذاری، فعالیت‌های تجاری و توسعه‌ای از قبیل مشتقات مالی و دیگر تولیدات مالی حرکت می‌کنند. در آمریکا، توسعه اغلب نهادها و مؤسسات مالی مرکب همزمان با تضعیف قانون ۱۹۳۳ استیگال<sup>۳</sup> (تفکیک بانکداری تجاری و سرمایه‌گذاری) در سال ۱۹۸۷ و سرانجام منسوخ‌شدن آن در سال ۱۹۹۹، ایجاد گردید.

در این دوران، بانکداری سرمایه‌گذاری نیز تغییر یافت. در الگوی سنتی، ریسک‌ها محدود به ریسک‌های مالی (ضمانت کسب سود) کوتاه‌مدت در زمان شناوری اوراق بهادار بوده و درآمد اصلی از طریق کسب کارمزد ساماندهی اوراق شناور،

---

1- Generally Accepted Accounting Principles (GAAP)  
2- Phantom Profits  
3- Glass-Steagall Act

رسیدگی به وضعیت تجارت و مسائل مربوط به کارهای حقوقی در شرایط ادغام و خریداری (M&A)<sup>۱</sup> حاصل می‌گردد. در زمان گذشته که چندان دور نیست، بانک‌های سرمایه‌گذاری وال استریت<sup>۲</sup> عمده درآمد خود را از طریق فعالیت‌های بر پایه کارمزد از قبیل مشاوره‌های M&A، ضمانت سرمایه، اوراق قرضه و مدیریت دارایی به دست می‌آوردند و بر اساس الگوی جدید نیز، آنها همچنان ریسک‌پذیر و کاهنده بنگاه‌های بانکداری جهانی از قبیل JP مورگان و بانک امریکا می‌باشند. به عنوان مثال، پنج بنگاه بزرگ قدیمی<sup>۳</sup> را در نظر بگیرید. از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ میلادی، با بررسی دقیق و حسابداری تجاری درآمدها، سهم درآمد تجاری حاصل از کل فعالیت‌های بنگاه‌های مذکور از ۴۱ درصد به ۵۴ درصد، افزایش یافته است. تعداد زیادی از آن مبادلات در بازار بورس و اوراق بهادار بوده، اما همچنان موقعیت خود را در بازار ارز، نفت، اوراق قرضه و دیگر ابزارهای سفته‌بازی حفظ نموده است.

استناد به مبادلات ریسکی و خطرپذیر یک نظام موازنه‌ای بوده که سهم قابل ملاحظه‌ای از سودهای حاصل از فعالیت‌های تجاری را میان کارمندان (کارگران) در شکل‌های دستمزد و پاداش توزیع می‌نماید. کارگران این پنج بنگاه بزرگ در سال ۲۰۰۷، حدود ۶۰ درصد از درآمد بنگاه‌ها (۳۲ درصد در JP مورگان و ۲۸ درصد بانک امریکا) را به دست آوردند. اما در این میان، آنها شکست خورده و این سودهای کلان را از دست دادند. به طوری که در فصل چهارم سال ۲۰۰۸، شرکت مریل لینچ<sup>۴</sup> به تنهایی ۱۵/۳ میلیارد دلار سود خالص خود را از دست داد در حالی که این سود در سال ۲۰۰۵، ۱۲/۶ میلیارد دلار بود. مجله اقتصادی این وضعیت را به جنجال پاداش (سود) حاصل از بانکداری نامگذاری کرده است. قابل توجه اینکه، اغلب مدیران اجرایی و تجار، بیشتر منفعت و سودهای خود را در زمانی که بازار در حال شکوفایی و جهش اقتصادی بود، به دست آوردند.

### حاکمیت

مسائل نظارت و حاکمیت در هر یک از مراحل دگرگونی‌های ناشی از بحران مالی جهانی به وجود می‌آید. اما به طور خاص، نسبت به این نکته که نظام بانکداری در حال انتقال به نظام بانکداری سایه‌ای است، می‌توان گفت که در این نظام:

«آرپیترایز مقرراتی از میان یک الگوی تجاری، توسعه یافته است و ریسک مورد نیاز سرمایه از طریق ایجاد نظام بانکداری سایه‌ای کاهش می‌یابد. ریسک‌ها به نظام بانکداری سایه‌ای کنترل نشده، انتقال یافته و استراتژی‌ها نیز از قوانین سرمایه بانک استفاده خواهند شد. در نتیجه به طور مستقیم، تمام و یا برخی از ریسک‌های واقعی در بانک اولیه باقی می‌مانند.»<sup>۵</sup>

به طور کلی، این تجربه بانک‌هایی از قبیل سیتی گروپ<sup>۶</sup>، یو.بی.اس<sup>۷</sup> و گلدمن ساچ<sup>۸</sup> است که جهت راه‌اندازی برنامه‌های سرمایه‌گذاری با توجه به اهداف ویژه مورد نظر خود با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند. این بنگاه‌های تابعه

- 
- 1- Mergers and Acquisition (M&A)
  - 2- Wall Street
  - 3- Bear Stearns, Goldman Sachs, Lehman Brothers, Merrill Lynch and Morgan Stanley
  - 4- Merrill Lynch
  - 5- Das, Satyajit (2008), Voodoo Banking-Finance on Steroids, <http://news.Kontentkonsult.com>
  - 6- Citigroup
  - 7- UBS
  - 8- Goldman Sachs

(کمکی) و یا صندوق‌های سرمایه‌گذاری شده در دارایی‌ها با بازدهی بالا و مدت زمان طولانی، با انتشار اوراق تجاری بازپرداخت دارایی به تأمین مالی خود می‌پردازند. به طور معمول، یک ابزار (حامل) سرمایه‌گذاری ساختاریافته<sup>۱</sup> در سطح بالایی از نسبت بدهی به دارایی خالص با ۱۵ تا ۲۰ برابر ارزش دارایی خالص وجود دارد. مادامی که سرمایه‌گذاران آگاه باشند که این حامل‌ها نهادهای قانونی مستقلی بدون مراجعه رسمی به منشأ هستند، لذا در آن موقع، آنها برای خرد و فشرده کردن بانک‌هایی که مایل به خروج از شرکت‌های سرمایه‌گذاری به علت ریسک‌های معتبر هستند، وارد می‌شوند. در بسیاری از موارد، همپوشانی سهامداران، صاحبان شغل‌ها و جریان‌های کارمزدهای مدیریتی پرداخت شده به منشأ اولیه، وضعیت قانونی بانک‌های تابعه را با مشکل مواجه می‌سازد. در این صورت، SIVها ارزش‌هایی را به ترازنامه حامیان برمی‌گردانند، سپس آنها به این صورت آشکار می‌شوند که تعدادی از افراد در خارج از بانک‌ها به اطلاعاتی مربوط به رشد و توسعه نظام بانکداری دسترسی داشته و در نتیجه این نظام با آربیتراژ مقرراتی (نظارتی) مواجه می‌گردد.

مسئله حاکمیت و نظارت در نظام اسلامی به علت اصول تهیه شده توسط حساب‌برسان مذهبی اسلامی بسیار متفاوت می‌باشد؛ به طوری که آن را ابزاری جهت دستیابی به توصیه‌های فقهی و نظارت جهت تطبیق با احکام اسلامی می‌دانند. از این رو، مراحل نظارت مذهبی در نهادهای مالی اسلامی نشان داده می‌شود، اما اصول حاکمیت دامنه وسیعی از فعالیت‌های تجاری را دربر می‌گیرد. در این زمینه عملیات حساب‌برسان مذهبی (شرعی) به سه قسمت تقسیم می‌گردد:

در ابتدا، ناظران شرعی در ارتباط با چگونگی پذیرش شرعی ترتیبات قراردادهای بنگاه‌ها و توسعه ابزارهای جدید، پیشنهادها و توصیه‌هایی را به اعضا و مدیران ارائه می‌دهند. در مرحله دوم، به منظور اطلاع سهامداران، گزارشی مستقل از چگونگی پذیرش مدیریت بر مبنای اصول اسلامی و توسعه کسب‌وکار به صورت کاملاً اسلامی فراهم می‌گردد. در آخر، حسابرسی و بازرسی در ارتباط با زکات، صدقه‌دادن و مالیات وجود دارد که از این طریق نشان می‌دهد وجوه زکات به طور صحیح ارزیابی شده، مدیریت می‌گردند و تخصیص خواهند یافت. لذا گذراندن مراحل ناظران شرعی تأییدی است بر اینکه سازمان‌ها و مؤسسات شرایط و تجارت خود را بر مبنای اصول و قوانین اسلامی راه‌اندازی می‌نمایند.

از سوی دیگر، قدرت والا و بزرگ‌تری نیز وجود دارد به طوری که برای پیروان اسلام، پاسخگویی به خداوند و جامعه در کلیه فعالیت‌ها، از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. برای مسلمانان، شریعت یک نیروی هدایت‌کننده و ضروری است که تمام جنبه‌های زندگی بشریت را دربرمی‌گیرد و سرانجام، پاسخگویی تنها به خداوند می‌باشد. در آیه ۲۸۴ سوره بقره قرآن کریم آمده است:

«لَلّٰهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَاِنْ تُبْدُوْا مَا فِيْ اَنْفُسِكُمْ اَوْ تُخْفُوْهُ يُحٰسِبْكُمْ بِهٖ اللّٰهُ»

«آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن خداست و اگر آنچه در دل‌های خود دارید، آشکار یا پنهان کنید، خداوند شما را به آن محاسبه می‌کند.»

در قرآن کریم و سنت مفاهیمی از جمله صداقت، انصاف، عدالت، ترجیحات جامعه، وظایف و نقش تشویقی تجارت و افراد به طور آشکار تعریف شده‌اند و در برخی موارد به طور خاص استانداردهای حسابداری نیز ارائه شده است که در این زمینه حسابرسی به معنای پاسخگویی به مؤمنان جامعه (امت) می‌باشد. مسلمانان باایمان نمی‌توانند رفتار و سلوک‌شان را به ابعاد مذهبی و غیرمذهبی تقسیم‌بندی نمایند بلکه بایستی اعمال آنها همواره مطابق با اصول شریعت باشد.



## – گرایش به دارایی مالی<sup>۱</sup>

عدم پذیرش بدهی اسلامی و رجحان طرفداران تأمین مالی بر مبنای روش مشارکت در سود و زیان (PLS) به طور جدی تحت روش بانکداری اسلامی توسعه یافته است. بدهی امری ضروری در بانکداری اسلامی می‌باشد و به مراتب بخش بزرگ‌تری از نظام را تشکیل می‌دهد به طوری که، به نظر می‌رسد ترتیبات تأمین مالی بر مبنای مشارکت در سود و زیان توانایی عرضه منابع، برای مختصات یک اقتصاد مدرن مبتنی بر بهره را نداشته باشد. در این زمینه طراحی مجموعه متنوعی از ابزارهای مالی بدون ربا مهم‌ترین چالش مواجه با تأمین مالی اسلامی به شمار رفته، به گونه‌ای که برای رفع این چالش‌ها، راهکارهایی از جمله تطبیق قراردادهای تجاری جایز و در اصل طراحی خرید و فروش کالاهای واقعی با اهداف مالی در نظر گرفته شد. لذا ابزارهای تأمین مالی بدون ربا جهت تأمین مالی اعتباری در سه دهه اخیر را می‌توان به سه گروه مباحه، فروش اقساطی (بیع موجل)<sup>۲</sup> و استصناع، عملیات اجاره (لیزینگ) و اخیراً اوراق اسلامی (صکوک) تقسیم‌بندی نمود.

به بیانی دیگر در اسلام هیچ طیفی از ابزارهای مالی بر پایه بهره وجود ندارد. بهره به عنوان مبلغی مازاد بر ارزش اصلی در مسائل مربوط به وام‌دهی ممنوع می‌باشد. در این زمینه وام‌های بدون بهره (قرض الحسنه) در مورد مسائلی همچون امور خیریه و اهداف تجاری (مشارکت در سود و زیان) جایگزینی ایده‌آل برای وام‌های با بهره می‌باشد. با این حال، مشکلات ناشی از عملیات مبتنی بر قراردادهای PLS در کشورهای در حال توسعه باعث گردیده که فقها و متخصصان به تطبیق برخی از قراردادهای تأمین مالی پرداخته و میانه‌ای را برای تعهدات تجارت (اقتصاد) واقعی در خرید و فروش خود در نظر بگیرند. از سوی دیگر، خرید و فروش و تجارت کالایی از نظر ذاتی و اساس وام‌دهی متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال، شریعت، در جایی که فروشنده هزینه کالای خود را به خریدار اعلام کرده و نرخ مورد نظر (mark-up) با توافق دوجانبه در مقابل سود فروشنده تعیین شود، مخالفتی با عقد مباحه ندارد. از این رو، ترکیب و تطبیق این مفاهیم در بانکداری اسلامی به فعالان (تجار) مؤثر و یا خریداران بالقوه مستغلات اجازه دسترسی به بانک را جهت برطرف نمودن نیاز خود برای کالای واقعی فراهم می‌نماید. در این حالت، بانک دارایی را خریداری کرده و سپس با در نظر گرفتن قیمت هزینه تمام شده به علاوه سود مورد توافق طرفین (mark-up) – که معمولاً مدت بازپرداخت و ریسک را پوشش می‌دهد – به خریدار می‌فروشد. آن چیزی که معاملات را اسلامی و شرعی بودن آن را در فقه تأیید می‌کند این است که بانک می‌بایستی دارایی را با هدف کسب سود در فروش مجدد خریداری کند و عملیات مشمول تبادل پول در مقابل پول نمی‌باشد و همواره کالایی در مقابل پول فروخته می‌شود. به طور خلاصه، نرخ مورد توافق (mark-up) به عنوان پرداخت مقداری مازاد بر مقدار اولیه وام نبوده، بلکه سودی است که در یک معامله تجاری با توجه به ریسک‌های موجود کسب می‌گردد.

از سوی دیگر این صورت از سود ممکن است در اشکال دیگر به صورت بهره وام‌دهی شناخته شود، در صورتی که یک تفاوت عمده نسبت به تأمین مالی متعارف وجود دارد. رشد نظام‌های مالی در غرب بر مبنای توصیف تعدادی از متفکران، از مفهوم «گرایش به دارایی مالی» برخوردار است. این مفهوم می‌تواند به عنوان مرحله‌ای از تغییر اقتصادی نام برده شود که در آن ساختار اقتصاد پیشرفته به طور افزایشی به سمت ذخایر خدمات مالی منتقل و ارزش دارایی‌های

۱- Financialization: نگهداری دارایی به صورت سهام و اوراق قرضه در مقایسه با نگهداری دارایی به صورت دارایی‌های مادی مثل زمین و ساختمان و ماشین‌آلات.

مالی به شدت از دارایی‌های ملموس فراتر می‌رود. به طور اساسی در این تغییرات، کلیه موارد از جمله فرهنگ مدیریتی و رفتار، حاکمیت شرکتی، پاداش‌های اجرایی و توزیع درآمد و ثروت از طریق تقاضا برای سرمایه مالی تعدیل و اصلاح می‌گردد. فوستر مراحل Financialization یا گرایش به دارایی‌های مالی را تفکیک و آن را به صورت تجزیه فعالیت‌های مالی از دارایی‌های ملموس مولد سرمایه‌گذاری معرفی می‌کند. از دیدگاه وی، اگرچه اقتصاددانان طرفدار مکتب کلاسیک (سنتی) بر این عقیده‌اند که سرمایه‌گذاری مالی و سرمایه‌گذاری مولد تفکیک‌ناپذیر بوده و به یکدیگر وابسته هستند. بر مبنای این فرض که خریدار منابع مالی برای مستغلات همان کسی است که از پول و منابع استفاده می‌کند، بنابراین در این مسیر، توسعه تولیدات نیز حاصل می‌گردد. اما این امر می‌تواند اشتباه باشد زیرا لزوماً ارتباط مستقیمی میان سرمایه‌گذاری مولد و ذخیره دارایی‌های مالی وجود ندارد و می‌توان آنها را مجزا در نظر گرفت.

از سوی دیگر، تفاوت میان وام‌دهی متعارف و تأمین مالی بر مبنای اسلامی (مراجعه و یا اجاره) از دیدگاه چپرا (۲۰۰۷) از دو جنبه دارای اهمیت است: اول اینکه، بر این اساس، فروشنده کالاها می‌بایستی به صورت قانونی مالکیت و مراحل فروش کالاها را انجام دهد. در این زمینه همچنین این بحث مطرح می‌گردد که سفته‌بازی و فروش اوراق بهادار کوتاه‌مدت ممنوع است به طوری که از این طریق به مهار انواع سفته‌بازی موجود در بازار مالی متعارف کمک می‌نماید. دوم اینکه، روش‌های تأمین مالی بر پایه فروش، شامل استقراض و وام‌دهی مستقیم نیستند بلکه مشتمل بر معاملات اجاره و فروش بر پایه کالاها و خدمات واقعی می‌باشند. بنابراین تأمین مالی در نظام اسلامی منجر به توسعه و رشد اقتصاد واقعی، محدودیت در بدهی‌های زیاد و ایجاد اعتبارات و همچنین ممانعت از ایجاد بی‌ثباتی در بازار بین‌المللی می‌گردد.

## ۶. جمع‌بندی

در روش‌های تأمین مالی، احکام اسلامی به عنوان یکی از روش‌های پیشگیرانه (احتیاطی) در نظر گرفته می‌شود. در واقع به دلیل عواملی همچون حرص و طمع (از سوی زمین‌داران، واسطه‌گران رهنی، بانک‌های توسعه‌ای، بانک‌های سرمایه‌گذاری با هدف اوراق بهادارسازی، صندوق‌های تضمینی و دیگر سرمایه‌گذاران)، مخاطرات تضمین‌نشده در قراردادهای مالی از قبیل اختیار معامله با نرخ رهنی تعدیل‌شده، معاملات سفته‌بازی، نظارت ضعیف بانک‌ها و سایر مؤسسات، بالابودن نسبت بدهی به دارایی و شدت فعالیت‌های مالی در ارتباط با سرمایه‌گذاری واقعی، شاهد رویارویی ملت (جامعه) با رنج زیادی هستیم. از سوی دیگر، در شرایطی که امکان منع حرص و طمع به‌طور ذاتی (درونی) و آگاهی وام‌گیرنده رهنی از تعهدات قراردادی فراهم شود؛ معاملات سفته‌بازی و ریسکی ممنوع شود؛ اصول مذهبی در ارتباط با نظارت و مقررات بانک‌ها نوشته و پاس‌خگویی به خدا و جامعه ایجاد شود و از سوی دیگر رشد بخش مالی سریع‌تر از فعالیت‌های واقعی نگردد، می‌توان انتظار داشت که مالیه متعارف از این موارد اجتناب نموده و در نتیجه از دیدگاه اقتصادی اسلامی، بحرانی اتفاق نخواهد افتاد. در واقع، اقتصاد اسلامی بینش و بصیرت لازم جهت مقابله با آشفتگی را پیشنهاد می‌کند و نسبت به این عوامل مختلف که همواره انتشار پول و اوراق قرضه را جهت رفع مشکل کسری بودجه دربر دارد، دیدگاه‌هایی را مطرح می‌نماید.

تعبیر و تفاسیر قاطع اسلامی بر مسأله پول کامل می‌باشد به طوری که رژیم تورم پولی صفر زمانی است که نرخ مبادله عرضه پول با تقاضای پول منطبق گردد. در ارتباط با موضوع مالیات نیز دیدگاه اسلامی اجازه می‌دهد که پایه

پولی جهت پوشش نیازمندان از این طریق تأمین مالی گردد و اگرچه عدم شفافیت اطلاعات در این عملیات منجر به تورم مالیاتی می‌گردد، اما تفاسیر اولیه، بیشتر مطابق با اندیشه‌های اسلامی می‌باشد. از این‌رو، این وضعیت الزاماً استفاده از تأمین مالی پولی را تحت شرایط رکود (زمانی که هزینه تورم پایین و زیرساخت‌های عمومی مطلوب مورد نیاز است) رد نمی‌کند. طاهر و دیگران معتقدند که تأمین مالی پولی بر مبنای شرایط عدم کفایت درآمد حاصل از مخارج قانونی، عدم رضایتمندی و نیاز فراوان به فطرت کالاهای عمومی (به عنوان مثال: کمک به نیازمندان، دفاع و خدمات بدهی) و در نهایت ثبات پول و حفظ تورم در قبال محدودیت‌های مورد قبول، امکان‌پذیر است.

قرآن کریم و سنت دو منبع اولیه جهت یافتن رهنمودهای قانونی بر تمام موضوعات به‌شمار می‌روند به طوری که، برخی اصول اولیه اسلام دربرگیرنده مسائلی همچون کسری بودجه می‌باشند. در زمان رسول اکرم (ص)، وی به عنوان رهبر جامعه مسلمین اقدام به رفع نیاز فوری و اهداف عمومی به اندازه توان خود و جمع‌آوری وجوه نقد مردم با تضمین بازپرداخت وام‌های نگهداری‌شده، می‌نمودند. در ارتباط با دیدگاه بهبود اساسی در تأمین مالی عمومی در زمان بعد از محمد رسول الله نیز می‌توان این‌گونه گفت که در دوران چهار خلفای راشدین مدارکی دال بر قرض‌گیری وجود ندارد و به همین دلیل نویسندگان اولیه اسلام همچون ابویوسف و ابو عبید سلام (قرن ۹) در رابطه با این مسائل سکوت نموده‌اند. اما نویسندگان دیگری در قرن ۱۱ به ارائه موضوعاتی در ارتباط با قرض‌گیری توسط دولت به عنوان آخرین راه حل موجود در شرایط کمیاب (بحرانی) پرداخته‌اند. در واقع دلیل این موضوع ناشی از احتمال عدم بازپرداخت (نکول) وام‌ها توسط صاحبان قدرت و یا توسل به مالیات اضافی برای انجام این کار می‌باشد. با این حال، به نظر می‌رسد قرض‌گیری عمومی مجاز است و از این طریق، پرداخت‌ها و درآمد قانونی برای بیت‌المال به طور موقتی با تأخیر مواجه می‌گردد. لذا از این طریق، انگیزه نیازهای فوری تقویت گشته می‌شود زیرا بیت‌المال به صورت بانک مرکزی عمل نمی‌کند و در هر لحظه از زمان می‌تواند حاصل شود و همچنین در آن مفاهیمی چون تأمین کسری بودجه از طریق خلق پول نیز وجود ندارد.

با وجود قوانین شفاف، دانش‌آموخته‌های شریعت، مهارت در به‌کارگیری اجتهاد جهت مطرح‌نمودن مسائلی همچون بدهی بر مبنای دارایی معین برای تأمین مالی هزینه‌های عمومی تجارت (از قبیل صکوک)، اجاره و ابزارهای مشارکتی را به اثبات رسانیده‌اند. این در حالی است که حمایت آشکار و یا اعتراض نسبت به برخی از این ابزارها با توجه به قرآن و سنت به راحتی امکان‌پذیر نمی‌باشد. از سوی دیگر، هیچ شکی نیست که این نوآوری‌ها و استفاده از آنها، انقلابی را در تأمین مالی اسلامی و تأمین مخارج عمومی ایجاد خواهد کرد و راه‌حلی را برای چالش‌های حاکمیت عمومی در نظر خواهد گرفت.

به طور کلی در حال حاضر، تصمیمات قانونی و ممنوعیت بر اخذ سود ثابت در مرکز موقعیت اسلامی قرار دارد. درواقع، ممنوعیت ربا در ارتباط با مسائلی همچون حمایت در برابر بسیاری از آسیب‌های ناشی از سیاست افراطی مدرن، حکومت‌های بزرگ، توهّمات مالی، عدم رعایت عقاید عمومی و انعطاف‌پذیری مالی و سیاسی، پیشنهادهایی را ارائه می‌دهد. از سوی دیگر، فشار مالی می‌بایستی به عنوان یک نیروی محرکه در مدیریت مالی دولت پذیرفته شود و تأکید را بر تأسیس یک نظام مالیاتی بر پایه اصول سرمایه (حقوق صاحبان سهام) ایجاد نماید. از آنجایی که در این زمینه، تورم و قرض‌گیری نمی‌تواند جانشین مناسبی برای آن باشد، لذا جهت رفع این مشکل تأمین کسری‌ها از طریق اعطای وام‌های با نرخ صفر (قرض‌الحسنه) در نظر گرفته شد. به عبارت دیگر، این وام‌ها آزمونی برای مقاومت اخلاق

باطنی است و اینکه آیا یک فرد واقعاً جهت کمک به هم‌نوع خود آماده شده است یا خیر. این مسأله در واقع بر ترتیبات مشارکت بر سود و زیان تأکید می‌نماید، به طوری که راهی را برای رهایی از منفعت شخصی در راستای توسعه اقتصاد عمومی از طریق انواع مختلف مشارکت دولتی و خصوصی ایجاد می‌کند.

در مجموع می‌توان این‌گونه بیان نمود که برتری و مزیت خاص نظام اسلامی با توجه به وام‌های با نرخ صفر (قرض‌الحسنه) و قراردادهای مشارکت در سود و زیان، آن را به یک عنصر ثبات اقتصادی تبدیل نموده است. این نظام به کشورهایی که از اصول نظام مالی اسلامی تبعیت می‌کردند، کمک کرد تا تأثیر کمتری را از بحران مالی احساس کنند. در واقع با قراردادن مبنای خرید و فروش بر اساس پیشنهادهای اجتهادی (فقهی)، زمینه مقاومت و ایستادگی در برابر رکودهای ناشی از چرخه‌های تجاری و جریان‌های اقتصادی به‌وجود خواهد آمد. لذا در این راه اقتصاد اسلامی باید از انعطاف‌پذیری و بسط‌پذیری مفاهیم برخوردار باشد و بتواند با توجه به شرایط روز به تحلیل پردازد و بنابراین پیشرفت در این زمینه نیازمند تلاش و مطالعه و اثبات این حقایق به دنیای کنونی می‌باشد.

## منابع و مأخذ

متن حاضر ترجمه مقاله Mervyn Lewis، با عنوان  
An Islamic economic perspective on the global financial crisis از کتاب ذیل می‌باشد.

Steven Kates (2010) *Macroeconomic Theory and its Failings*, Edward  
Elgar Cheltenham, UK. Northampton, MA, USA. chapter 10:159-183